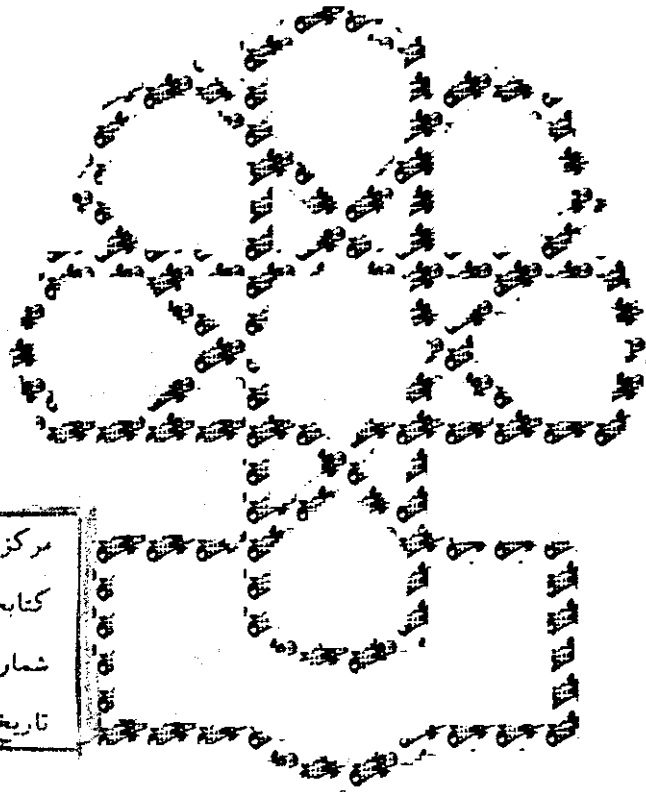




تأثیر انقلاب اسلامی بر استراتژی امنیتی امریکا در خاورمیانه



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی مارا
شماره: ۷۲۸۹
تاریخ: ۱۷ شهریور ۱۳۶۷

معاونت پژوهشی
آبان ماه ۱۳۷۴

کار: دفتر بررسی‌های سیاسی - اجتماعی
این گزارش بنا به درخواست آقایان مروی و خزائی نمایندگان
محترم مجلس شورای اسلامی تهیه شده است.

کد گزارش: ۱۵۰۰۹۸۶

فهرست مطالب

۲.....	مقدمه
۳.....	فصل اول: موقعیت جغرافیای سیاسی و اقتصادی خاورمیانه
۳.....	فصل دوم: استراتژی امنیتی امریکا در منطقه خاورمیانه
۵.....	فصل سوم: اهمیت خاورمیانه در سیاست خارجی امریکا
۶.....	فصل چهارم: تأثیر انقلاب اسلامی بر منطقه و منافع امریکا در خاورمیانه
۷.....	فصل پنجم: نگرش امریکا نسبت به انقلاب اسلامی ایران
۸.....	فصل ششم: مقابله امریکا با انقلاب اسلامی ایران
۱۸.....	فصل هفتم: مقابله ایران با تهدیدات امریکا
۱۹.....	فصل هشتم: اهداف سیاسی اقتصادی اسرائیل در منطقه خاورمیانه
۲۱.....	فصل نهم: سیاست ترکیه در خاورمیانه
۲۲.....	فصل دهم: موقعیت جغرافیای سیاسی و اقتصادی منطقه خلیج فارس
۲۳.....	فصل یازدهم: سیاست امریکا در خلیج فارس
۲۴.....	فصل دوازدهم: خلیج فارس و ترتیبات امنیتی آن
۲۷.....	فهرست منابع

گزارشی که تحت عنوان «استراتژی امنیتی امریکا در خاورمیانه» تهیه و تدوین شده است در برگیرنده مقولات مختلفی است که به طور اجمال و گذرا به اهم مفاد آن اشاره خواهد شد.

خاورمیانه به عنوان یکی از مناطق استراتژیک و حساس در سیاست خارجی امریکا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اهمیت این منطقه از دید امریکا به دلیل وجود منابع سرشار نفت و گاز، وجود کشور اسرائیل و داشتن آبراه‌های مهم ژئواستراتژیک - که روزانه تعداد زیادی از کشتیهای تجاری و نفتکش جهان در این منطقه تردد می‌کنند - است.

در ابتدای این گزارش به چکیده‌ای از موقعیت جغرافیای سیاسی و اقتصادی خاورمیانه قناعت شده و سپس استراتژی امنیتی امریکا در منطقه خاور میانه (شامل حفاظت از موجودیت رژیم صهیونیستی، جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی، حفظ موقعیت دولتهای منطقه و به تحقق رساندن صلح اعراب و اسرائیل) مورد بررسی قرار گرفته است.

در ادامه تلاش شده است تا با تدقیق، یکایک اولویتهای مورد نظر امریکا در خاورمیانه مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد و تلاش آن کشور در جهت تحقق اولویتهای مورد نظر بررسی شود.

بخش دیگر این گزارش به تأثیر انقلاب اسلامی بر امنیت خاورمیانه‌ای امریکا نظر دارد و موانعی که بر اثر نفوذ انقلاب اسلامی ایران بر سر راه منافع امریکا در منطقه بوجود آمده است، مورد بررسی تشریحی قرار می‌گیرد.

امریکا با درک این تأثیر و تهدید منافع حیاتی خود در منطقه، به اقدامات پیشگیرانه و اعمالی در مقابله با انقلاب اسلامی ایران دست زده و سعی می‌کند تا با ایجاد کمربند امنیتی به دور انقلاب اسلامی ایران را تحت فشار قرار داده تا از اولویتهای ایدئولوژیک خود دست بردارد. امریکا در این جهت با تقویت و حمایت سیاسی - اقتصادی از متحدین خود در منطقه، سعی در تنگ‌تر نمودن حلقه‌های محاصره و تشدید فشار علیه ایران را دارد. این بخش به مقابله امریکا با انقلاب اسلامی ایران اختصاص یافته است.

در بخش دیگر این گزارش، سیاستهای دو بازوی توانمند امریکا در منطقه یعنی اسرائیل و ترکیه مورد بررسی قرار گرفته و به منافع و اهداف آنها در خاورمیانه اشاره شده است و در آخرین بخش گزارش و در راستای ثبوت تشدید فشارهای همه جانبه امریکا بر ایران و ایجاد پرده آهنین در مقابل انقلاب ایران، به ترتیبات نظامی در منطقه پرداخته شده است. امریکا بعد از آن که نتوانست امنیت دستجمعی بدون حضور ایران را متحقق سازد به ناچار رویه دیگری را در پیش گرفت و تلاش نمود توافقنامه‌های نظامی دو جانبه‌ای را با کشورهای منطقه منعقد نموده تا علاوه بر استمرار حضور خود در منطقه و حمایت از حکام منطقه، امنیت منافع حیاتی خود را نیز در خاورمیانه تثبیت نماید.

فصل اول: موقعیت جغرافیای سیاسی - اقتصادی خاورمیانه

اصطلاح خاورمیانه در سال ۱۹۲۰ میلادی توسط یک مورخ دریایی امریکایی به نام «آلفرد ماهان» به کار برده شد و منظور وی تشریح منطقه اطراف خلیج فارس بود و چون از قاره اروپا به آن نگریسته می‌شدند خاور نزدیک به حساب می‌آمد و نه خاور دور؛ امروزه وسعت خاورمیانه از آنچه ماهان می‌پنداشت فراتر رفته است.

مفهوم خاورمیانه برای اروپاییان و امریکاییها در طول جنگ دوم جهانی روشن بود و آن زمانی بود که مقر انگلیسی‌ها و متفقین در قاهره معروف به «خاورمیانه» بخشهای وسیعی از شمال و شرق آفریقا، ایران، ترکیه و کلیه کشورهای عربی شرقی کانال سوئز را تحت پوشش قرار می‌داد^(۱).

به طور کلی هیچ تعریف ثابتی از این منطقه وجود ندارد و برای آن تعاریف و حدود ثغور مختلفی را ذکر کرده‌اند. از میان تعاریف متعدد، تعریف غالب، حدود این منطقه را به این ترتیب معین می‌نماید: خاورمیانه منطقه‌ای است که شمال آن کشور ترکیه و مشرق آن ایران، غرب آن لیبی تا شمال آفریقا و جنوب آن به سودان و رود نیل می‌رسد.

از سوی دیگر خاورمیانه به معنای انحصار آن تنها شامل کشورهای عربی واقع در محل اتصال سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا بوده و در مفهوم وسیعتری می‌توان ترکیه و اسرائیل را نیز در این منطقه قرار داد و در ردیف کشورهای خاورمیانه به حساب آورد.

پس از این که با مختصات جغرافیای سیاسی این منطقه آشنا شدیم لازم است شمه‌ای هم از اهمیت و موقعیت اقتصادی این منطقه سخن گفته شود.

این منطقه از بعد اقتصادی به دلیل قرار گرفتن خلیج فارس در این منطقه از اهمیت به سزایی برخوردار است. وجود منابع سرشار نفت و گاز در این منطقه از جهان، وجود تنگه‌های مهمی چون هرمز، اهمیت آن را در جغرافیای سیاسی جهان و تجارت بین‌الملل مضاعف ساخته است. به همین علت است که تاریخ منطقه خاورمیانه همیشه شاهد حضور مستمر نیروهای بین‌المللی جهت تسلط بر این منطقه مهم از جهان است و به همین دلیل مهم استراتژیکی، آسایش و ثبات منطقه همواره در معرض خطر قرار داشته و به طور مداوم کانون برخوردها، تعارضات، ناامنی و تشنج از سوی قدرتهای استکباری قرار گرفته است. در ادامه گزارش اهم موضوعهای مرتبط، مورد کنکاش قرار خواهد گرفت.

فصل دوم: استراتژی امنیتی امریکا در منطقه خاور میانه

در گزارش حاضر تحت عنوان «استراتژی امنیتی ایالات متحده امریکا در خاورمیانه»، ابتدا سعی خواهد شد که این استراتژی تبیین و مشخص شده و در ادامه به طور مفصل به یکایک اولویتهای استراتژی امنیتی امریکا در خاورمیانه پرداخته شود.

۱- آلما سدابیر و جرالدا ج بلیک، جغرافیای سیاسی خاور میانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰)، ص ۲۰.

۱- حفاظت و حمایت همه جانبه از موجودیت رژیم صهیونیستی

مسئله حمایت و حراست از امنیت ملی و موجودیت رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس این رژیم، همواره برای سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. و دولتمردان امریکایی بارها بر میزان اهمیت این کشور تأکید کرده‌اند؛ به عنوان مثال «هنری کیسنجر»، رسالت کشورش را دفاع از موجودیت اسرائیل دانسته^(۱) و «جیمی کارتر» در بدو دوران زمامداریش درباره موجودیت رژیم صهیونیستی اعلام کرد که نسبت به پشتیبانی از امنیت ملی اسرائیل توجه خاصی مبذول خواهد داشت.^(۲) اهمیت اسرائیل در سیاست خارجی امریکا بدان علت است که وجود اسرائیل نیز در تأمین و تحقق مقاصد امریکا در خاورمیانه بسیار مهم است. سخن «گلدامایر» نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی نیز مؤید این موضوع است که می‌گوید: «ارتش اسرائیل نخستین خط دفاعی برای منافع امریکا در خاورمیانه می‌باشد. ما همچنین این حامی اصلی امنیت رژیم‌های اسلامی در منطقه هستیم که به امریکا وفادار هستند. در اینجا نباید خون یک امریکایی بر زمین ریخته شود ما به امریکاییها گفته‌ایم ابزار را در اختیار ما قرار دهید تا وظایف خویش را انجام دهیم.»^(۳)

امریکا از اسرائیل از نقطه نظر نظامی، اقتصادی و سیاسی حمایت همه جانبه می‌کند و اسرائیل هم به مثابه محافظ منافع امریکا عمل می‌نماید.

۲- جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی به سایر کشورهای منطقه

یکی دیگر از مسائل مورد توجه امریکا در منطقه، جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی به کشورهای خاورمیانه است. از بدو تولد انقلاب اسلامی در ایران، امریکا به انحاء مختلف تلاش نمود تا با ایجاد پرده آهنگین به دور انقلاب اسلامی، جلو حرکت آن را بگیرد. اهمیت این قضیه برای امریکا بدان جهت است که بیداری مسلمانان منطقه تسلط این کشور بر منابع خاورمیانه را دشوار کرده و در پی آن، نفوذ سیاسی این کشور نیز رو به ضعف خواهد نهاد. سخنان سیاستمداران امریکایی و تحرکات آنان در منطقه تأییدی بر این ادعاست؛ به عنوان مثال رئیس جمهور فعلی امریکا اعلام می‌کند: «اصول‌گرایی را جانشین دشمن قدیمی خود یعنی کمونیزم می‌دانم.»^(۴)

۳- دستیابی و تسلط بر منابع نفت و گاز خاورمیانه

شاید مبالغه نباشد که یکی از علل اصلی علاقه امریکا به این منطقه از جهان، تسلط بر منابع نفت و گاز آن و نظارت بر آبراههای منطقه و اهمیت این منابع برای دنیای غرب است. نیاز به منابع سوخت فسیلی و فقدان منابع جانشین به صورت ارزان و وافر، نظارت بر منطقه را به صورت یکی از مؤلفه‌های اجتناب ناپذیر سیاست خارجی امریکا در منطقه در آورده است.

۱- نیکلا، سرکیس، نفت تنها و آخرین شانس خاورمیانه، مترجم ثابت سعیدی، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳)، ص ۳۵۳
۲- جورج، لنجافسکی، رؤسای جمهور امریکا و خاورمیانه، ترجمه هوشنگ مهدوی، (تهران: البرز، ۱۳۷۳)، ص ۲۳۶
۳- روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۳/۸/۱۴، صفحه ۱۲
۴- این مطلب را «کلیتون» رئیس جمهور امریکا در سفر اخیر خود به اردن در پارلمان این کشور ایراد کرد.

۴- حفظ موقعیت دولتهای منطقه

اهمیت این مسأله برای امریکا در این است که استمرار بهره‌برداری همه جانبه از این کشورها در گرو وجود حکومت‌های دست‌نشانده و یا لاقط تابع سیاست‌های امریکاست. اگر این رژیم‌ها براساس آرای ملت خویش حکومت نمایند آنگاه جایی برای حضور و نفوذ امریکا در این کشورها نخواهد بود. لذا، یکی از اقدام‌های امریکا تلاش برای حفظ وضع موجود در غالب کشورهای خاورمیانه می‌باشد.

۵- مسأله صلح اعراب و اسرائیل

فروپاشی شوروی، ختم جنگ سرد و بحران خلیج فارس شرایط جدیدی را در منطقه بوجود آورد و جغرافیای سیاسی منطقه را دستخوش تحول ساخت. ایالات متحده امریکایی سعی کرد تا از این تحولات برای مشروعیت بخشیدن به نظام سیاسی اسرائیل بهره‌برد.

۶- ایجاد سیستم امنیتی نظامی قابل اعتماد (دو جانبه یا چند جانبه)

۷- اشراف نظامی بر آبراه‌های مهم جهت برقراری امنیت برای کشتیهای تجاری و نفتکشها

فصل سوم: اهمیت خاورمیانه در سیاست خارجی امریکا^(۱)

باتضعیف موقعیت جهانی انگلستان در جنگ جهانی دوم و پس از آن، کشور امریکا که از دیر زمانی در کمین نشسته بود تا پای پای رقیب دیرین خود بگذار دو موقعیت انگلستان را تصاحب کند، وارد عمل شد. از نقطه نظر اقتصادی واقع شدن مخازن گسترده نفت در منطقه خاورمیانه برای امریکا اهمیت فراوانی داشت و از سوی دیگر واقع شدن این منطقه در جنوب ناتو و در نزدیکی سرحدات شوروی سابق و وجود کانال سوئز که کو تاثرترین راه دریایی و رابط قاره‌های اروپا، آسیا و آفریقا و دریای آتلانتیک و اقیانوس هند از نظر استراتژی درخور اهمیت بود^(۲)، باعث شد تا رؤسای جمهور امریکا بعد از جنگ جهانی دوم هر کدام اهمیت اقتصادی، سیاسی این منطقه را نه تنها برای منافع امریکا بلکه برای منافع جهان سرمایه‌داری یاد آور شوند. نیکسون درباره اهمیت اقتصادی این منطقه می‌گوید:

«برای ما آشکار است که خاور میانه ۸۰ درصد نفت اروپا و ۹۰ درصد نفت ژاپن را تأمین می‌کند»^(۳).
«ریچارد مورفی» مقام اسبق وزارت امور خارجه و از کارشناسان شورای روابط خارجی امریکا در باره اهمیت خاور میانه می‌گوید:

«خاور میانه منبع عمده انرژی جهان است و در دهه آینده نیز اهمیت خود را از این حیث حفظ خواهد کرد»^(۴).

نظر به اهمیت منطقه خاورمیانه در سیاست خارجی امریکا، مؤسسات مطالعاتی متعددی تأسیس

۱- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب: استیفن، امروز، تاریخ سیاست خارجی امریکا، مترجم احمد تابنده، (تهران: چاپخش، ۱۳۶۸)

۲- بورونو، نفت و سیاست امریکا در خاور میانه نزدیک و میانه، ترجمه ربیع زاده، (تهران: میر، ۱۳۶۴)، ص ۶

۳- همان منبع، ص ۶

۴- مجتبی امیری، «ایران و امریکا»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال نهم، شماره ۱۱ و ۱۲، (۱۳۷۴)، ص ۲۴.

شده است که از آن جمله می‌توان به انجمن مطالعات خاورمیانه که در آن افراد با تجربه اجرایی و صاحب نظر در مورد مسائل خاورمیانه به مطالعه مشغولند و مواضع کلیدی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه را تبیین می‌کنند، اشاره کرد.^(۱)

افزایش محققین مؤسسه مزبور از ۵۱ نفر در سال ۱۹۶۶ به ۲۱۰۰ نفر در سال ۱۹۹۰، مبین اهمیت رو به تزاید این منطقه از جهان برای دولت امریکاست.^(۲)

فصل چهارم: تأثیر انقلاب اسلامی بر منطقه و منافع آمریکا در خاورمیانه

انقلاب اسلامی در ایران که به عنوان نقطه عطفی در تاریخ ایران قابل مطالعه است علاوه بر ایجاد تغییرات بنیادی در بسیاری از ساختارهای اجتماعی ایران، از نقطه نظر سیاسی نیز صاحب تأثیرات بسیاری در منطقه و ابعاد فراتر از آن می‌باشد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، صدور آن حرکت طبیعی خود را پیمود و ارزشهای مبارزاتی آن در قالب جهاد در مقابل تجاوز، و به عنوان حرکتی مذهبی و ملی برای مبارزه با استبداد و استعمار از مرزهای سرزمین ایران فراتر رفت و تبلور ایدئولوژی منبعث از اسلام توانست منافع مادی و معنوی قدرتهای صاحب نفوذ در منطقه و دولتهای منطقه‌ای را که تحت حمایت دول خارجی قرار داشتند، مورد تهدید قرار دهد.

حداقل پیام انقلاب اسلامی ایران برای دولتهای خاورمیانه، اعاده هویت و بازگشت به ریشه‌های اصیل اسلامی بود که همان طور که اشاره شد از دو جهت قابل ملاحظه است:

۱- با بیداری مسلمانان حکام منطقه اریکه قدرت خود را در خطر دیدند.

۲- دولتهای صاحب نفوذ در منطقه به ویژه آمریکا را متوحش ساخت.

تنهانگامی به جنبشهای اسلامی رو به رشد در کشورهای عرب و نحوه برخورد با این نیروها، نشانگر تأثیر اندیشه اسلام و انقلاب اسلامی در منطقه است که نه تنها دولتهای عربی، بلکه دولتهای غربی و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا، آن راناشی از صدور انقلاب و تهییج مسلمانان توسط انقلاب اسلامی ایران می‌دانند. چنین تأثیر عظیمی باعث شد تا قدرتهای بزرگ در مقام دفاع از منافع خود، با آرایشی جدید ظاهر شوند و مقابله با انقلاب اسلامی ایران را در صدر خط مشی سیاسی خود در منطقه قرار دهند.

با وجود این، اتخاذ مواضع جدید و تمسک به ترندهای مختلف برای مقابله با انقلاب اسلامی نتوانست در حرکت اندیشه انقلابی - اسلامی ایران به کشورهای منطقه خللی وارد آورد و بدین سان حرکت انقلاب اسلامی بدون آنکه از نیروی قهریه استفاده کند روند طبیعی خود را طی کرد و تأثیر خود را بر اذهان مسلمانان گذاشت. حرکت مسلمانان در الجزایر، مصر، عربستان، بحرین و ...، عملیات شهادت طلبانه حزب الله لبنان در برابر رژیم صهیونیستی، ترور انور سادات، عملیات شهادت طلبانه نیروهای مسلمان لبنانی علیه نیروهای امریکایی و فرانسوی، حرکت انقلاب اسلامی در سودان، پیروزی مسلمانان در انتخابات شهرداریها در ترکیه و صدها مورد دیگر تنها نشانه‌هایی از تأثیر صدور مسالمت آمیز انقلاب اسلامی ایران

۱- ریچارد بی پارکر، «مطالعات خاورمیانه و سیاست خارجی امریکاه ترجمه طباطبایی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال هشتم، شماره ۱۱ و ۱۲، (۱۳۷۳)، ص ۶۸
۲- همان منبع.

به فراسوی مرزهاست.^(۱)

انقلاب اسلامی ایران با معرفی هویتی مستقل و جدا از نظامهای ارزشی غالب زمانه خود، پیام ارزشی جدیدی را معرفی کرد. دولتهای منطقه برای جلوگیری از نفوذ پیام جمهوری اسلامی ایران که آزادی و استقلال را در بطن خود جای داده بود، چاره را در طلب یاری دولتهای غربی و در رأس آنها امریکا دیدند. دولت امریکا نیز از ترس جایگزین شدن عناصر وابسته در منطقه به عناصری که متأثر و ملهم از انقلاب اسلامی ایران بودند، به این درخواست پاسخ مثبت دادند.

معرفی امریکا به عنوان شیطان بزرگ از جانب حضرت امام خمینی (ره) و خدشه‌ای که از این جهت به ماهیت و حیثیت ستمگرانه امریکا وارد شد، به همراه تصمیم جمهوری اسلامی ایران به قطع روابط خود با دولت مصر در اردیبهشت ۱۳۵۸ به جهت اقدامات سازشکارانه آن کشور در پیمان کمپ دیوید که بنا بر دستور امام (ره) صورت گرفت و حمایت ایران از مبارزه با اسرائیل و آزادی سرزمین فلسطین و قدس شریف، ایران را در مرکز مبارزات ضد ایالات متحده امریکا در منطقه قرار داد.

امریکا طالب هیچکدام از این تحرکات نبود؛ به ویژه آنکه حمایت ایران از مبارزات آزادیبخش فلسطینیان، توانسته بود به کالبد بی جان نهضت مقاومت اسلامی فلسطین روح تازه‌ای بدمد. تغییر معادلات منطقه‌ای و تبدیل ایران که زمانی ژاندارم خلیج فارس خوانده می‌شود به آشکارترین استکبار شرق و غرب و حامی قدرتمند مبارزات آزادیخواهانه منطقه‌ای؛ چاره‌جویهای جدیدی را می‌طلبید که از ابتدای انقلاب تاکنون به عناوین مختلف علیه ایران صورت گرفت.

فصل پنجم: نگرش امریکا نسبت به انقلاب اسلامی ایران

در نگرش به این مطلب می‌توان از سه الگو مدد گرفت؛ سه الگو که هرکدام نگرش خاصی نسبت به انقلاب اسلامی ایران دارند که ذیلاً به توضیح یکایک آنها پرداخته خواهد شد:

۱- الگوی تهدید و انزوا

در این الگو، امریکا با توجه به تحولات جدید در بلوک شرق، روند رادیکالیسم عربی و تنظیم نهایی جغرافیایی جدید برای اعراب، به دشمن جدیدی نیاز دارد تا حضور و نفوذ همه جانبه خود را تداوم بخشد. ظاهراً جمهوری اسلامی ایران می‌تواند چنین نقشی را برای امریکا در مقابل اعراب ایفا کند بنابراین ایران باید همواره به عنوان تروریست، ضد حقوق بشر و مهاجم معرفی شود و از این زاویه دید رادیکالیسم از جانب ایران منافع امریکارا در منطقه تأمین می‌کند. در این الگو استراتژی مهار دو جانبه، جلوگیری از ارسال تکنولوژی، اتهام تروریستی، ضد حقوق بشر، تدارک برای سلاحهای هسته‌ای و شیمیایی و مخالفت با صلح اعراب و اسرائیل مطرح شده است.

۱- بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران می‌فرماید:

این که ما می‌گوییم باید انقلاب به همه جا صادر شود، نباید این معنای غلط را از آن برداشت کرد که ما می‌خواهیم کشور گشایی کنیم. آرزوی ما این است که همه دولتها بیدار بشوند و خودان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند، نجات بدهند. منبع: محمد علی امامی، «روابط ایران و اعراب»، مجله سیاست خارجی، سال نهم، (بهار ۱۳۷۴)، ص ۱۳۲.

۲- الگوی تفاهم

در این الگو ایران به عنوان یک تهدید مطرح نمی‌شود. این الگو در میان محافل دانشگاهی مطرح است. موافقان این الگو می‌گویند ایران مشکلات زیادی دارد و میان آنچه می‌گوید و آنچه عمل می‌کند فاصله زیادی وجود دارد، توان تقابل و تهاجم ندارد، به هیچ وجه تهدیدی به حساب نمی‌آید و آنچه هم اکنون در ایران روی می‌دهد تنها یک دوره گذراست.

۳- الگوی همکاری

این الگو در پی تفاهم است و نیز ایران را تهدید به حساب نمی‌آورد. این الگو از سوی شرکتهای بزرگ تجاری و صنعتی، کارخانه‌ها و ... حمایت می‌شود. این الگو در پی گسترش روابط اقتصادی است. برای این الگو خیلی اهمیت ندارد که در ایران چه می‌گذرد. این الگو معتقد است که مطمئناً می‌توان با ایران روابط تجاری داشت، مشروط بر آنکه ایران بتواند ثبات سیاسی را در داخل کشور به وجود آورد و قوانین اقتصادی از ثبات نسبی برخوردار باشد.

در حال حاضر الگوی مورد استفاده امریکاییها، الگوی اول است زیرا، پایگاه سیاسی گروه فشار (لابی) صهیونیستها در امریکا در قالب حزب دمکرات بسیار قوی است.^(۱)

فصل ششم: مقابله امریکا با انقلاب اسلامی ایران

پیش از انقلاب، امریکا ایران را جزیره ثبات خود قلمداد می‌کرد و منافع اقتصادی امنیتی، سیاسی و استراتژیک خود را به راحتی در ایران و از طریق ایران تأمین می‌کرد^(۲). پس از انقلاب نه تنها تمام کسب این منافع از دست امریکا خارج شد بلکه، منافع آن کشور در سراسر جهان نیز از نظر ایران نامشروع تلقی شد. امریکا با توجه به این نکات با تمام توان تلاش نمود که جلوی حیات انقلاب اسلامی ایران را سد نموده و موجبات اضمحلال آن را فراهم نماید. در ادامه امهات تلاشهای امریکا برای سرنگونی انقلاب ایران را بررسی می‌کنیم.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اقدام نخست امریکا حذف انقلاب از طریق کودتا و تحریک گروههای داخلی برای مبارزه مسلحانه با نظام اسلامی بود که در هر دو مورد مزبور با شکست مواجه شد. امریکا به حربه‌های دیگری مانند تبلیغات وسیع برای بی اعتبار کردن نظام، تحریک تجزیه طلبی در استانهای مختلف کشور، استفاده از گروههای تروریستی داخلی برای ترور مقامات رده بالای نظام. عملیات نافرجام طیس و در نهایت با تحریک عراق به جنگ علیه ایران نیز متوسل شد. بعد از هشت سال دفاع مقدس نیروهای مخلص انقلاب با کمترین امکانات نظامی در برابر ارتشی که به نظر صاحب نظران مسائل نظامی این کشور با حمایت همه جانبه شوروی سابق، به رتبه چهارم ارتشهای جهان ارتقا یافته بود و همچنین با تمام

۱- محمود، سریع القلم، شناخت استراتژی امریکا نسبت به ایران و خاورمیانه، فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره ۲، (تابستان ۷۴)، ص ۹-۳۰۷.

۲- برای آگاهی بیشتر رجوع شود به: مارک، گازبوروسکی، سیاست خارجی امریکا و شاه، مترجم فریدون فاطمی، (تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۷۱).

حمایتهای مالی و نظامی که توسط امریکا و غرب و کشورهای عرب^(۱) انجام گرفت، توانست سرفراز و پیروز از این مبارزه سخت بیرون آید و دشمنان انقلاب به ویژه امریکارا در مقابله با انقلاب مایوس و دلسرد نماید. پس از ختم جنگ تجاوز کارانه عراق علیه ایران نیز تلاش مستمر قدرتهای استکباری برای نابود ساختن جمهوری اسلامی ایران ادامه یافت. اما در این دوره؛ دشمنان انقلاب به خوبی می دانستند که سرنگونی نظام اسلامی به سادگی ممکن نیست و لذا به شیوه «مهار» متوسل شدند. از نظر امریکاییها بزرگترین خطر در منطقه علیه منافع غربی، بسط تفکر و اندیشه امام (ره) بود. و لذا به این نتیجه رسیدند مقابله با تفکر امام (ره) در خاورمیانه که مهد جهان اسلام است در ارجحیت قرار دارد. و با حصول به این نتیجه سعی کردند با اقدامهایی علیه اسلام و تفکر اسلامی جلوی بیداری مسلمانان را بگیرند.

محورها و مکانیزمهای ایالات متحده برای مبارزه با انقلاب اسلامی ایران و اسلام عبارت است از:

- ۱- اعلام نقض حقوق بنیادین بشر توسط دولت جمهوری اسلامی ایران؛
- ۲- تمسک ایران به تهدید و ترور برای از بین بردن مخالفان خود در خارج از کشور؛
- ۳- اتهام به جمهوری اسلامی در جهت تلاش برای دستیابی به تسلیحات شیمیایی و اتمی؛
- ۴- اعمال فشار بر مجامع بین المللی برای منزوی ساختن ایران؛
- ۵- اعمال فشار بر هم پیمانان خود نظیر دول اروپایی و ژاپن برای محاصره اقتصادی ایران؛
- ۶- فشار بر دولتهای روسیه، چین و کره شمالی برای قطع همکاریهای صلح آمیز اتمی خود با ایران؛
- ۷- تحریک کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به منظور طرح ادعاهای سرزمینی؛
- ۸- برخورد خصمانه با حرکت‌های اسلامی در جهان به ویژه در شمال آفریقا؛
- ۹- حمایت از سلمان رشدی به عنوان نمادی علیه اسلام؛
- ۱۰- آماده سازی امکانات قرارداد صلح خاورمیانه؛
- ۱۱- تمسک به سیاست مهار دو گانه.

ذیلاً به مهمترین محورهایی که در جهت اعاده موقعیت استراتژیکی غرب و به ویژه ایالات متحده در منطقه طراحی شده خواهیم پرداخت:

- ۱- استفاده از حربۀ نقض حقوق بشر توسط دولت جمهوری اسلامی ایران
- یکی از حربه‌های متعددی که امریکا از آن به عنوان اهرم فشار علیه دول مستقل به ویژه ایران استفاده می نماید، حربۀ نقض حقوق بنیادین بشر است.
- استفاده از این اهرم، دستاویزی برای در مضیقه قراردادن ایران است زیرا، کارنامه حقوق بشر در بسیاری از کشورها و منجمله ایالات متحده کارنامه‌ای بسیار سیاه است که دایرۀ نقض آن را می توان به سراسر جهان از رواندا و سومالی تا گرانادا، پاناما و ... دانست.
- امریکا در استفاده از این حربه چه نیثی دارد؟ غالباً اهداف کوتاه مدت است و با نیثاتی نظیر:
- اعمال فشار بیشتر به ایران،
 - انحراف افکار عمومی جهان از جنایات امریکا و صهیونیزم دنبال می شود. اما در عین حال ایالات

۱- شاه فهد پس از پایان جنگ عراق علیه ایران اعتراف کرد که ۲۳ میلیارد دلار از ذخایر ارزی کشورش را به صدام پرداخته است.

متحدہ از این تحرک اهداف بلند مدت دیگری را نیز مثل:

- اعلام اسلام و تفکر اسلامی به عنوان تفکری ضد حقوق بشری؛
 - تقلیل گرایش به سوی ایران به عنوان ام القرای اسلام؛
 - ناتوان اعلام کردن انقلاب اسلامی نسبت به حفظ حقوق بنیادین بشری و مد نظر دارد.
- سیاستمداران جمهوری اسلامی ایران بارها با ذکر نیت کوتاه و بلند مدتی که در پشت اندیشه عدالتخواهی ظاهری و رعایت حقوق بشر توسط غربیها نهفته است، استفاده از این حربہ را بلا اثر ساخته‌اند. به عنوان مثال، آقای هاشمی رفسنجانی در دیدار با رئیس جمهوری اندونزی در جا کارتا در باب حقوق بشر چنین اعلام نظر کرد:

«متأسفانه امروز حقوق بشر به عنوان اهرمی در روابط خارجی برخی از دولتهای استکباری علیه کشورهای در حال توسعه و اسلامی به کار گرفته می‌شود و برخورد گزینشی و متناقض در اعمال آن در صحنه‌های بین‌المللی هدفی جز اعمال سلطه، دخالت در امور داخلی دیگران و نهایتاً جلوگیری از رشد و توسعه این کشورها را تعقیب نمی‌کند.»^(۱)

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در این باره می‌فرماید:

«رعایت حجاب در فرهنگ غربی خلاف حقوق بشر به شمار می‌رود ولی ساقط کردن یک هواپیمای مسافری با صدها سرنشین خلاف حقوق بشر نیست و به آن اشکالی وارد نمی‌شود و عامل این جنایت پاداش نیز می‌گیرد.»^(۲)

۲- اتهام تمسک ایران به تهدید و ترور

دیگر اتهام واهی امریکا علیه ایران، دخالت و حمایت این کشور از تروریسم بین‌الملل می‌باشد. امریکا اقداماتی نظیر:

- حمایت ایران از جنبشهای اسلامی نظیر حزب الله لبنان که در منطقه تحت اشغال رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان فعالیت می‌نمایند؛

- همکاری ایران با کشورهایمانند لیبی و سودان که به زعم امریکا تروریست خوانده می‌شوند؛

- اتهام علیه ایران به مشارکت در انفجار مرکز صهیونیستها در بوئنوس آیرس؛

- اتهام نسبت به مشارکت در حذف فیزیکی اپوزیسیون ساکن خارج از کشور،

را جملگی مصداق توسل ایران به تروریسم می‌داند.

امریکا علی‌رغم اینکه نتوانسته است هیچیک از اتهامات خود را به اثبات برساند، اما به شدت با نظر دولت ایران مبنی بر اینکه خود از قربانیان تروریسم است مخالفت کرده است؛ در حالی که ایران نمونه‌های اثبات شده بسیاری در دست دارد تا چنین جتایاتی را به اثبات برساند که از این نمونه‌اند:

- بمب گذاری در نماز جمعه؛

- ترور مقامات بلند پایه کشور؛

- بمب گذاری در حرم مطهر حضرت رضا (ع)؛

۱- روزنامه کیهان، ۲۳ مهرماه ۱۳۷۳، ص ۳.

۲- این سخنرانی در سال ۱۳۷۲ توسط مقام رهبری ایراد شده است.

-ربودن هواپیماهای مسافربری ایران؛

-ربودن و ترور دیپلماتهای ایرانی در خارج از کشور و ...

علاوه بر این نمونه‌ها که توسط عناصر داخلی تحت حمایت انجام شده است، می‌توان به موارد بسیاری از تمسک به تروریسم (به معنای عام) برای تحت فشار قرار دادن ایران اشاره کرد:

- حمله نظامی به کشتی‌ها و سکوها نفتی ایران؛

- تهدید شناورها و هواپیماهای شناسایی و جنگی ایران در خلیج فارس؛

- انهدام هواپیمای مسافری.

کارنامه ایالات متحده در سایر کشورهای دنیا نیز مشابه است؛ مثلاً اقدام تلافی جویانه آمریکا به بهانه قضیه سقوط هواپیما در لاکربی بر علیه لیبی که در آوریل ۱۹۸۶ صورت گرفت و هواپیماهای امریکایی به بمباران طرابلس پرداختند، حمله نیروهای نظامی امریکایی به گرانادا در اکتبر ۱۹۸۳ و ... همگی معرف بعد وسیعی از تمسک به تروریسم است.

در مورد برخورد ناعادلانه کشورهای غربی با پدیده تروریسم، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران درباره دیدار وزیران خارجه ایران و انگلیس می‌گوید:

«دکتر ولایتی در این ملاقات از برخورد تبعیض آمیزی که برخی از کشورهای غربی و مشخصاً انگلیس نسبت به پدیده تروریسم، به ویژه در حمایت از منافقین انجام می‌دهند انتقاد کرد... دکتر ولایتی در گفتگو با «داگلاس هرد» نسبت به عدم رعایت حقوق مسلمانان مقیم برخی از کشورهای اروپایی و فشارهایی که اخیراً برای ممانعت از رعایت ارزشهای اسلامی، آزادی حقوق اعتقادی و باورهای دینی به آنها وارد می‌شود، ابراز نگرانی کرد».^(۱)

۳- اتهام به جمهوری اسلامی در جهت تلاش برای دستیابی به تسلیحات اتمی و شیمیایی

یکی دیگر از اتهامات امریکا بر علیه ایران تلاش برای تهیه و ساخت سلاحهای شیمیایی و اتمی است. در مورد سلاحهای شیمیایی تنها ذکر یک مثال برای بی‌اساس ساختن ادعای امریکا کافی است و آن این است که در جنگ تحمیلی علی‌رغم اینکه نیروهای ایران بارها از سوی متجاوزان عراقی توسط سلاحهای شیمیایی مورد حمله قرار گرفتند اما حتی ایران در یک مورد در مقام پاسخ مشابه برنیامد و مقابله به مثل انجام نداد. به علاوه، ایران بارها و رسماً کاربر و تولید این گونه سلاحها را محکوم نموده است.

در جنگ تحمیلی با این که رژیم عراق به طور گسترده شهر حلبچه را مورد بمباران شیمیایی قرارداد و صدها انسان بی‌گناه را قتل عام کرد مجامع، جهانی و دول غربی در آن هنگام سکوت اختیار کردند.

در مورد سلاحهای هسته‌ای نیز ایران همواره تأسیسات اتمی خود را به روی کارشناسان و بازرسان آژانس انرژی اتمی باز گذاشته است و به طور رسمی و مکرر از سوی این آژانس پای بندی ایران به شرایط آژانس و استفاده صلح آمیز از نیروی اتم و خودداری این کشور از کاربرد نظامی این تسلیحات اعلام شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز رسماً اعلام کرده است که هدف ایران از کاربرد انرژی اتمی برای مقاصد صلح جویانه است.

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۷۳/۷/۶، ص ۳.

سخنان وزیر امور خارجه در سمینار بررسی جنبه‌های حقوقی و سیاسی پیمان عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای نیز شاهد این مدعاست: «جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از قربانیان سلاحهای کشتار جمعی، به دلیل سیاستهای تبعیض آمیز کشورهای هسته‌ای معتقد است که تمدید نامحدود معاهده عدم اشاعه سلاحهای هسته‌ای با اهداف آن متباین است زیرا، تحقق این امر سلاحهای هسته‌ای را در دست معدودی از قدرتهای هسته‌ای به طور دائمی قرار خواهد داد و اکثر اعضای جامعه بین‌المللی را مجبور می‌کند که برای همیشه در شرایط وحشت از این سلاحها زندگی کنند... ما برای معاهده عدم اشاعه سلاحهای هسته‌ای، به رغم ایرادات اساسی نهفته در آن، اهمیت زیادی قائل هستیم، لیکن تمدید محدود آن را تنها زمانی می‌توانیم بپذیریم که دولتهای هسته‌ای تفکر بازدارنده هسته‌ای را کنار گذاشته، خود را به مذاکراتی با هدف برچیدن کامل سلاحهای هسته‌ای طی مدتی معین متعهد کنند. دولتهای هسته‌ای باید به موافقتنامه‌های بین‌المللی در مورد ایجاد مناطق عاری از سلاحهای هسته‌ای پایبند بوده و از ابتکارات دولتهای عضو برای ایجاد چنین مناطقی حمایت کنند.»^(۱)

فشار بر روسیه برای قطع کمکهای هسته‌ای به ایران نیز یکی دیگر از تحرکات امریکا علیه ایران است. فشار امریکا بر روسیه در حالی است که رژیم صهیونیستی تنها کشور خاورمیانه است که دارای سلاح اتمی می‌باشد و از حمایت غرب نیز برخوردار است. رژیم صهیونیستی علاوه بر داشتن سلاح اتمی از امضای پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای امتناع می‌ورزد و ایران نیز با امضای این پیمان بارها تعهد خود را مورد بازدید کارشناسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تاسیسات اتمی نیروگاه بوشهر عملی ساخته است. جالب آنکه راکتور ایران مشابه راکتوری (آب سبک) است که قرار است امریکا در اختیار رژیم صهیونیستی قرار دهد، مع الوصف محافل امریکایی و صهیونیستی همچنان فشار خود بر دولتهای روسیه و چین را به منظور قطع همکاری این دو کشور با ایران ادامه می‌دهند. رژیم صهیونیستی در تکمیل تهدیدات امریکا اعلام کرده است که همانند عملیات سال ۱۹۸۱ علیه تاسیسات اتمی عراق، اقدام مشابهی را در مورد ایران معمول خواهد داشت.

به دنبال این فشار کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز در اجلاس پنجاه و پنجمین خود در ریاض به پیروی از اسرائیل مسأله تسلیحات هسته‌ای ایران را مطرح ساخته و آن را تهدیدی برای امنیت منطقه قلمداد کردند.

مواضعی که توسط سیاستمداران ایرانی در قبال این اتهام اتخاذ شده است، نشان از بی‌اساس بودن این ادعا دارد.

حجة الاسلام و المسلمین روحانی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس در سالروز بزرگداشت قطع روابط ایران و امریکا این اتهام را این گونه مردود می‌شمارد، او می‌گوید:

«ایران از امضا کنندگان معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی است و نقش فعالی را در تمدید این معاهده در ماههای اخیر داشته است و همواره نظارت آژانس بین‌المللی انرژی را پذیرفته است... ایران خود قربانی سلاحهای شیمیایی است... اتهام تهیه سلاح اتمی از سوی کشوری مطرح می‌شود که خود حامی

۱- روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۳/۹/۲۹، ص ۱.

اسرائیل است و ابزار لازم را برای تولید سلاحهای اتمی در اختیار اسرائیل می‌گذارد...^(۱)

۴- محاصره تسلیحاتی ایران

طرح امریکا برای خلع سلاح کشورهای منطقه خاورمیانه که اولین بار در زمان ریاست جمهوری جرج بوش طی سخنرانی در آکادمی نیروی هوایی امریکا ارائه شد، تلاشی است برای رسیدن به محاصره تسلیحاتی هر چه بیشتر جمهوری اسلامی ایران، هر چند ظاهراً ایالات متحده برای عام ساختن شیوه مقابله خود برخی از کشورهای دوست امریکا را نیز شامل این اقدام معرفی می‌نماید.

تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات دفاعی که پس از ختم جنگ هشت ساله صورت گرفته و

شامل:

- جانشین ساختن تسلیحات از دست رفته و مستهلک در طی جنگ؛

- استاندارد کردن تسلیحات مورد استفاده و خودکفایی تسلیحات، می‌باشد، خشم امریکا را

برانگیخته است. ایران برای دستیابی به توان دفاعی خود اقدام به خرید تسلیحات از روسیه، چین، کره شمالی و تعداد دیگری از کشورهای اروپای شرقی نمود. با آن که ایران به صراحت تقویت بنیه دفاعی خود را عامل چنین حرکتی معرفی کرده است و با این که کل خریدهای ایران در مقایسه با کشورهای دیگر خاورمیانه بسیار اندک است، مع‌هذا با تهدید طرح تحریم مواجه شده است.

قابل ذکر است که هزینه نظامی سرانه منطقه خاورمیانه ۲۲۶ دلار و واردات سلاح سرانه آن ۹۰ دلار است^(۲) و این در حالی است که در سال ۱۹۹۰ عربستان و عراق به ترتیب ۱۴ و ۲۷/۴ درصد از تولید ناخالص ملی خود را صرف هزینه‌های نظامی کردند. بر این اساس در سال ۱۹۹۰ هزینه‌های نظامی سرانه عراق و عربستان به ترتیب ۴۲۵ و ۹۱۴ دلار تخمین زده شده، در حالی که هزینه سرانه نظامی ایران ۷۶ دلار برآورد شده است. در همان سال میزان واردات سرانه تسلیحات عراق ۱۳۱ دلار، عربستان ۳۵۱ دلار و ایران ۲۲ دلار تخمین زده شده است^(۳).

عربستان به تنهایی بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ معادل ۳۰/۴ میلیارد دلار به هزینه‌های تسلیحاتی

اختصاص داد^(۴).

همان طور که ملاحظه می‌شود ایران کمترین رقم خریدهای تسلیحاتی را به خود اختصاص داده

است^(۵). اما علی‌رغم قلت میزان خریدهای تسلیحاتی ایران در قیاس با کشورهای منطقه، هر اقدامی در این باب مواجه با کارشکنی ایالات متحده می‌شود، مثلاً در مورد خرید سه فروند زیر دریایی توسط ایران از روسیه، امریکا با تحت فشار قرار دادن روسیه سعی نمود از انجام این معامله جلوگیری کند و عربستان سعودی را تحریک نمود با پرداخت این مبلغ به روسیه از ادامه خرید توسط ایران ممانعت نماید. اما روسیه صراحتاً اعلام کرد که به سیاست مستقل خود به دور از هر گونه فشار سیاسی امریکا ادامه خواهد داد و تسلیم

۱- حسن روحانی، «امریکا و آرزوهای بر باد رفته»، مجلس و پژوهش، سال سوم، شماره ۱۵، (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴)، ص ۱۳-۱۴
۲- سهراب شهبابی و فریده فرهمی، «ملاحظات امنیتی و سیاست خارجی ایران»، مجله سیاست خارجی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال نهم، (بهار ۱۳۷۴)، ص ۴۴.
۳- همان منبع، ص ۵۳.
۴- همان منبع، ص ۴۴.
۵- توضیح بیشتر آنکه خلع سلاح و تحریم تسلیحاتی ایران در حالی انجام می‌گیرد که امریکا تمام تلاش خود را برای تقویت و تسلیح کشورهای متحد خود در منطقه خاورمیانه به ویژه رژیم صهیونیستی به کار بسته است.

فشار امریکا نخواهد شد.

تشجیع برای جلوگیری از فروش تسلیحات به ایران در حالی انجام می‌گیرد که امریکا خود از عمده کشورهای صادر کننده تسلیحات به کشورهای منطقه خاورمیانه است^(۱) و این عمل را با بزرگ نمودن تهدید ایران برای امنیت منطقه در مقیاس وسیعی عملی می‌سازد^(۲).

جانشین فرمانده نیروی دریایی درباره خریدهای تسلیحاتی ایران این چنین می‌گوید:
«در پنج سال گذشته ما مجموعاً ۱۰ میلیارد دلار برای تجهیز نیروهای مسلح خود خرج کرده‌ایم که این رقم در مقایسه با بودجه کشورهای دیگر بسیار ناچیز است زیرا، استراتژی نظامی ما بر مبنای دفاع و متناسب با بنیه اقتصادی - فرهنگی کشور است.»^(۳)

۵- تحریک کشورهای جنوبی خلیج فارس

دولت امریکا با همکاری رژیم صهیونیستی به طور مکرر تلاش نمود با استفاده از ترفندهای مختلف، کشورهای جنوبی خلیج فارس را بر علیه ایران و ادار به رویارویی کند تا طبق سناریوی از پیش طراحی شده جلو حرکت انقلاب اسلامی را سد نماید. ادعای امارات متحده عربی در مورد جزایر ایرانی تنب کوچک، تنب بزرگ و ابو موسی نمونه بارز این تحریک است.

مسئله آنچه باعث شد امارات را وسوسه کرده تا نسبت به جزایر سه گانه ایرانی ادعای مالکیت نماید، حمایت دولت امریکا از این ادعا می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران ضمن رد ادعای مالکیت امارات بر جزایر ایرانی اعلام کرده است که این مناطق جزء لاینفک قلمرو جمهوری اسلامی ایران است و بارها آمادگی خود را برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در مورد جزایر سه گانه ایرانی اعلام داشته است.

سختگویی وزارت امور خارجه کشورمان در موضع‌گیری قاطع در مورد حمایت انگلیس از احاله رسیدگی به دادگاه لاهه می‌گوید: «انگلیس بیش از هر کشور دیگر می‌داند که جزیره ابو موسی از گذشته‌های دور، جزئی از سرزمین ایران بوده و هرگز و طی هیچ قراردادی به کشور دیگری واگذار نشده است که ماهیت اختلاف برای طرح در لاهه را پیدا کند از آنجا که اشغال استعماری ابو موسی توسط انگلیس هرگز مورد قبول ایران نبود ناچار به خروج از این جزیره و واگذاری آن به ایران شد و جمهوری اسلامی ایران نیز حق حاکمیت خود را به خواست بیگانگان به دآوری نمی‌گذارد.»^(۴)

۶- محاصره اقتصادی امریکا علیه ایران

روابط سیاسی - اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با امریکا در بیستم فروردین ۱۳۵۹ با تصمیم واشنگتن قطع گردید و سیاست خارجی ایران نیز پس از آن، بر اساس نفی سلطه و عدم برقراری رابطه

۱- امریکا خود به تنهایی ۷۰ درصد از بازار اسلحه کشورهای عربی خاورمیانه را در اختیار دارد و برای ادامه فروش خود حتی آنها را تحت فشار قرار داده است. منبع: روزنامه کیهان، ۱۳۷۴/۱/۹.

۲- امریکا اخیراً قرارداد فروش ادوات نظامی را به کشورهای منطقه خاورمیانه منجمه مصر، عربستان و اردن به ارزش ۱/۳۵ میلیارد دلار منعقد نموده است که شامل ۸۵۰ میلیون دلار تعمیر و نگهداری و آموزش نیروی هوایی عربستان سعودی، ۵۰۰ میلیون دلار در زمینه پشتیبانی واحد لجستیک دفاعی عربستان و ۵۴۰ فروند موشک انداز «تاو» به ارزش ۴۳ میلیون دلار و ۴ فروند هلیکوپتر به ارزش ۶۷ میلیون دلار به اردن اختصاص داده است. منبع: روزنامه کیهان، ۱۳۷۴/۶/۱۸.

۳- روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۳/۹/۶، ص ۳.
۴- روزنامه کیهان، ۱۳۷۳/۸/۴، صفحه آخر.

سیاسی با امریکا دنبال شد. گرچه امریکا بارها از طریق مستقیم (سفر غیر رسمی مک فارلین به ایران) و یا به وسیله هم‌پیمانان خود مسأله برقراری رابطه را دنبال می‌کرد.^(۱)

اخیراً مسأله تشدید تحریم اقتصادی علیه ایران در دستور کار کابینه کلینتون قرار گرفته و بر این اساس سیاست «مهار دوگانه» مطرح شده است. هدف این سیاست حفظ موازنه قدرت ایران و عراق در حداقل توانایی اقتصادی و نظامی است. دولت امریکا توانست از طریق مکانیزم قانونی یعنی از طریق مصوبات سازمان ملل متحد منویات خود را در مورد عراق تحقق بخشد اما در مورد ایران وضع فرق می‌کرد و چون نمی‌توانست از این حربه استفاده نماید می‌بایست خارج از چارچوب سازمان ملل و به صورت انفرادی اهداف خود را دنبال نماید. این کشور در عمل نشان داده است که در صورت ضرورت برای دفاع از منافع خود منتظر مجوز سازمان ملل نیز نخواهد ماند. ایالات متحده هدف از اجرای سیاست مهار دوگانه را این مقاصد می‌داند:

الف: خنثی کردن مخالفت ایران با روند صلح خاورمیانه (اعراب و اسرائیل)؛

ب: جلوگیری از تحرکات ایران برای دستیابی به سلاحهای اتمی (که به زعم ایالات متحده برای مقاصد غیر صلح جویانه است)؛

ج: تلاش برای حذف به اصطلاح حمایت ایران از تروریسم و جلوگیری از نقض حقوق بشر. دولت کلینتون طرح مزبور را بر دو پایه اقتصادی و نظامی استوار کرده است. در بعد نظامی مهار ایران شامل حضور نیروهای امریکایی در منطقه و مقابله با فروش و صدور هرگونه سلاح و تکنولوژی آن به ایران می‌باشد.^(۲)

ایالات متحده از بعد اقتصادی نیز برقراری هر نوع روابط اقتصادی و تجاری با هرگونه اقدام یک‌جانبه یا چند جانبه‌ای را که موجب تقویت جمهوری اسلامی ایران شود ممنوع اعلام کرد. نهایتاً کلینتون در ۲۴ اسفند ۱۳۷۳، وضعیت اضطراری را در این کشور اعلام نموده و اقدامات ایران را تهدیدی برای امنیت ملی امریکا قلمداد کرد. لذا در این راستا هرگونه مشارکت شرکتهای امریکایی را در توسعه منابع نفتی ایران و همچنین تأمین نیازهای مالی آن ممنوع اعلام شد. متعاقب این تحریم، قرارداد شرکت ملی نفت ایران با شرکت امریکایی «کونکو» لغو گردید. برخلاف تصور امریکا بازتاب این تحریم در میان سایر کشورها جنبه منفی داشت. امریکا تلاش کرد که متحدان خود را در حمایت از این تحریم ترغیب نموده و نظر آنها را جلب نماید اما عملاً پرستیژ امریکا در صحنه جهانی خدشه‌دار شد و این مقابله نیز همانند دسایس قبلیش با شکست مواجه گردید. در توضیح مکمل این موضوع یادآور می‌گردد دو روز پس از آن که کلینتون در مجمع صهیونیست‌ها در نیویورک تحریم تجاری ایران را اعلام کرد کمیسیون اروپا، ۱۵ عضو اتحادیه اروپا و به دنبال آن کشورهای ژاپن، روسیه، چین، استرالیا و ... عدم پیروی خود را از این تصمیم اعلام داشتند. در این میان اتحادیه اروپا و ژاپن اتهام تلاش ایران برای دستیابی به سلاح اتمی و حمایت از تروریست را رد نمودند.

نظر به اهمیت موضوع موادی از تحریم امریکا علیه ایران ذکر می‌گردد:

الف - ممنوعیت صادرات اجناس تکنولوژی یا خدمات از جمله تأمین وام توسط بانکهای امریکا برای

۱- رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ابراز تمایل مسزولان امریکا را در برقراری روابط با ایران یک اقدام فریبکارانه قلمداد کردند.

۲- نمونه مقابله امریکا با ارسال سلاح به ایران را می‌توان در توقیف کشتی «کیپ مالیس» در ترکیه به بهانه حمل سلاح به گروههای کرد مبارز ترکیه مشاهده کرد.

معاملات تجاری از امریکا به ایران یا به دولت ایران؛

ب - ممنوعیت برخی اقلام و تکنولوژی امریکایی از کشورهای دیگر به ایران؛

پ - ممنوعیت معاملات از قبیل حق العمل کاری و سایر معاملات مربوط به اجناس و خدمات ایرانی توسط اشخاص امریکایی؛

ت - ممنوعیت سرمایه گذاری جدید توسط اشخاص امریکایی در ایران یا در املاکی که متعلق به ایران است و یا توسط دولت ایران کنترل می شود؛

ث - منع شرکتهای امریکایی از انجام معاملاتی که برای خود شرکتهای امریکایی جایز، نیست. برای شرکتهای وابسته به خود تأیید یا تسهیل نمایند؛

ج - ادامه ممنوعیت واردات اجناس و خدمات به امریکا که مبدأ آنها ایران است؛^(۱)

چ - به شرکتهای امریکایی سی روز مهلت می دهد که قرارداد های تجاری که قبل از این تاریخ منعقد نموده اند و هم اکنون ممنوع شده است به انجام رسانند.^(۲)

از مفاد تحریم امریکا در مورد ممنوعیت صادرات تکنولوژی، تأمین مالی و سرمایه گذاری در ایران این گونه استنباط می شود که این کشور با تمسک به حربه تحریم، قصد دارد توسعه و ثبات ایران را در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مخاطره اندازد.

آخرین تلاش امریکا برای اقناع متحدان خود در رعایت تحریم اقتصادی علیه ایران در اجلاس «هالیفاکس» کانادا (خرداد ۱۳۷۴) قابل مشاهده است. امریکا در این اجلاس با وجود مشکلاتی مانند انفجار اکلاهوا، مسأله انتخابات و بحران تجاری با ژاپن تلاش زیادی نمود اما بابتی اعتنایی متحدانش در تحریم اقتصادی ایران مواجه شد.

اینک به واکنش ایران در برابر تحریم تجاری امریکا نگاهی می اندازیم:

بعد از اعلام تحریم تجاری امریکا علیه کشورمان، جمهوری اسلامی ایران سعی نمود تا بازارهای جدیدی را برای فروش نفت خام خود بیابد و ایران توانست این خلأ را با افزایش فروش نفت به افریقای جنوبی، چین و همچنین با یافتن مشتریان جدید پر نماید. ایران همچنین شرکتهای اروپایی را برای همکاری با ایران برای توسعه میادین نفتی خود تشویق و دعوت به همکاری نمود که با استقبال شرکتهای اروپایی مواجه شد.

ایران همچنین تلاش نمود تا روابط خود را بیش از گذشته با کشورهایمانند روسیه، چین، هند، کشورهای اروپایی و آسیای جنوب شرقی بهبود و توسعه دهد.

مهمترین رخدادی که به دنبال تحریم امریکا در سیاست داخلی ایران شاهد هستیم از بعد اقتصادی تثبیت نرخ و مهار تورم بود و در بعد خارجی بلافاصله با شرکت «توتال» فرانسوی وارد معامله شد و قرارداد همکاری در مورد توسعه میادین نفتی ایران را منعقد نمود.

ایران همچنین توانست با وجود مخالفت و فشار امریکا بر کشورهای متحد خود برای جلوگیری از استمهال بدهیهای ایران، پرداخت وامهای دریافتی خود را از تعدادی از کشورها تمدید نماید.

۱- این ممنوعیت از سال ۱۹۷۸ برقرار شد.

۲- دفتر بررسیهای سیاسی - اجتماعی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، تأثیر تحقق صلح خاورمیانه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تیر ۱۳۷۴، ص ۳

تنها کشوری که از تحریم امریکا علیه ایران حمایت کرد رژیم صهیونیستی بود.

۷- تلاش برای اجرای طرح صلح اعراب و اسرائیل

رژیم صهیونیستی همواره در سیاست خارجی امریکا از نقش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. دولت‌های امریکا در طول حیات رژیم صهیونیستی قدرت انتقاد را درباره موجودیت رژیم صهیونیستی از کشورهای جهان به ویژه منطقه خاورمیانه گرفتند و حتی تحولات این منطقه نیز نتوانست تزلزلی در اراده سیاسی امریکا نسبت به حفظ موجودیت این رژیم به وجود آورد.

در سالهای اخیر به دلیل بیداری مسلمانان و شدت گرفتن مبارزه علیه نیروهای صهیونیستی و به مخاطره افتادن موقعیت این رژیم در منطقه، امریکا تحرکات زیادی برای از بین بردن موانع موجود در سر راه صلح اعراب و اسرائیل برداشته است.

از آنجای که ایران اسلامی موجودیت رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسد،^(۱) مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل و موافقت‌نامه «اسلو» را خیانت به آرمانهای ملت فلسطین قلمداد نموده و خواستار مقابله کشورهای اسلامی با طرح امریکا و رژیم صهیونیستی برای صلح میان اعراب و اسرائیل و تداوم تحریم علیه رژیم صهیونیستی شده است.

به دنبال اعلام طرح صلح اعراب و اسرائیل، امریکا تلاشهای زیادی را برای متقاعد ساختن کشورهای عربی انجام داد. «کریستوفر» وزیر امور خارجه امریکا در این خصوص می‌گوید: «۵/۲۴ میلیارد دلار برای کمک به کشورهای شرکت‌کننده در روند صلح خاورمیانه در بودجه سال ۱۹۹۶ امریکا اختصاص داده شده است و رژیم صهیونیستی و مصر به همان نسبت سال ۱۹۹۵ کمک دریافت خواهند نمود. امریکا برای اسرائیل ۳ میلیارد و مصر ۲/۱ میلیارد دلار در نظر گرفته است و به اردن نیز قول مساعد داده است که در صورت امضای موافقت‌نامه صلح با اسرائیل از ۲۷۵ میلیون دلار بدهی آن کشور چشم‌پوشی خواهد کرد.»^(۲) همچنین امریکا از مصر خواسته است تا برای مشارکت رژیم صهیونیستی در مسائل اقتصادی منطقه تلاش بیشتری به عمل آورد و همچنین با اقدام هماهنگ با رژیم صهیونیستی جلوی رشد اسلام‌گرایی را در منطقه بگیرد.^(۳) تاکنون تعداد زیادی از کشورهای منطقه به صورت فعال یا با سکوت خود کوشیده‌اند تا صلح خاورمیانه محقق شود. تنها مخالف این طرح صلح، ایران می‌باشد و مخالفت سوریه نیز برای اصل صلح نیست بلکه، در چگونگی کیفیت اجرا و اخذ امتیاز می‌باشد. کشور اردن نیز رسماً الحاق خود را به این طرح سازشکارانه اعلام کرد و سایر کشورهای دیگر نیز با سکوت و یا با انجام توافقات اقتصادی به طور تلویحی این سازش را پذیرفتند و در میان این کشورها لبنان و سوریه همچنان برای شروط خود مقاومت می‌کنند و امریکا امیدوار است که با پیوستن سوریه و لبنان بتواند اجرای کامل طرح را صورت تحقق بخشد. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به اصول سیاست خارجی خود نسبت به اسرائیل و این که تحقق این امر ممکن است امنیت ملی ایران را مورد تهدید قرار دهد و از سوی امریکا و رژیم صهیونیستی در

۱- امام راحل رژیم صهیونیستی را یک کشور نامشروع خواندند و لزوم وحدت میان مسلمانان را متذکر شدند و از حق فلسطینیان برای ایجاد یک دولت مستقل پشتیبانی کردند و این کشور را به عنوان دشمن اصلی اسلام معرفی کردند. بر این اساس، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برابر این رژیم بی‌ریزی شد.

۲- روزنامه کیهان، ۱۳۷۴/۱/۲۰.

۳- روزنامه کیهان، ۱۳۷۳/۱۰/۸.

مضیقه قرار گیرد لذا، همواره این طرح را محکوم نموده است.

به دنبال امضای پیش نویس پیمان سازش بین اردن و اسرائیل سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام کرد که امضای این گونه قراردادها موجب خیانت به آرمان فلسطین و مشروعیت بخشیدن به رژیم صهیونیستی خواهد شد.^(۱)

این سخنگو همچنین لغو تحریم اسرائیل توسط کشورهای منطقه را قویاً محکوم کرد.^(۲) در مجموع استراتژی امریکا و اسرائیل، در مورد روند مذاکرات صلح خاورمیانه را می توان بدین شرح بیان نمود:

۱- واگذاری کمترین امتیاز به اعراب و اخذ حداکثر امتیاز؛

۲- تضمین امنیت ملی اسرائیل؛

۳- تشدید فشارها بر علیه جمهوری اسلامی ایران؛

۴- تسلط سیاسی، اقتصادی بر کشورهای منطقه؛

امریکا و رژیم صهیونیستی پیروزی در این مذاکرات را یکی از بزرگترین و قویترین راههای مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه می دانند.

فصل هفتم: مقابله ایران با تهدیدات امریکا

در راستای مقابله با تهدیدات امریکا که در واقع بزرگترین تهدید خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار می رود، ایران تلاشهای فراوانی در جهت مقابله با تهدیدات امریکا انجام داد زیرا که به اهم آنها اشاره خواهد شد.

۱- تلاش ایران برای خروج از انزوا

جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با فشارهای امریکا تلاش نمود که از حالت انزوا خارج شده و باب مراوده را گشوده و ارتباط خود را با کشورهای جهان و منطقه بر اساس اصول سیاست خارجی توسعه و بهبود بخشید. این اقدام توانست تا حدودی حملات امریکا علیه ایران را کاهش داده و توان پاسخگویی لازم را برای خود ایجاد نماید و در نتیجه رفتار سلطه گرانه امریکا را تخفیف دهد. حضور فعال ایران در مجامع بین المللی و منطقه ای نیز تا حدود زیادی توانست نظرات جمهوری اسلامی ایران را به سایر کشورها منتقل سازد و حتی نظرات برخی از کشورها را به سوی خود جلب نموده و دیدگاه منفی آنها را در مورد ایران تقلیل داده و سوءظن آنها را از بین ببرد.

۲- گسترش روابط سیاسی - اقتصادی با کشورهای جنوبی حاشیه خلیج فارس و سایر کشورهای مسلمان منطقه

جمهوری اسلامی ایران سعی نمود تا با تکیه بر اصل حسن همجواری روابط سیاسی اقتصادی خود را با کشورهای جنوبی حاشیه خلیج فارس که متحد امریکا در منطقه محسوب می شوند، بهبود بخشد و

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۷۳/۷/۲۸، ص ۳

۲- روزنامه کیهان، ۱۳۷۳/۷/۱۲، ص ۲

همچنین روابط خود را با سایر کشورهای اسلامی منطقه منجمله همسایگان خود توسعه دهد.

۳- توسعه همکاریهای فرامنطقه‌ای

ایران همچنین روابط خود را با کشورهای روسیه، چین، هند، کره شمالی، حوزه اسکاندیناوی و کشورهای آسیای جنوب شرقی، آفریقایی و امریکای لاتین توسعه و بهبود بخشد. ایران از این طریق توانست اولاً نیازهای اقتصادی خود را بین همه کشورهای توزیع نموده تا در اثر فشارهای امریکا متحمل ضررهای سنگین نشود و امکان هماهنگی امریکا را با این کشورها با مشکل مواجه سازد. و ثانیاً، نیازهای تسلیحاتی و تکنولوژیکی خود را از این کشورها تأمین کند. بعضی از این کشورها وابستگی چندانی به امریکا نداشته و تقریباً جزو کشورهای پیشرفته محسوب می‌شوند و برخی دیگر نیز به خاطر تأمین ارز مورد نیاز خود توسعه همکاریهای دوجانبه را در دستور کار خود قرار داده‌اند و از این کار استقبال نمودند. از طرفی، ایران توانست ماهیت صلح‌جویانه خود را به همه کشورها نشان دهد و اتهامات امریکا را در مورد ایران بلااثر سازد و حتی متحدان امریکا نیز در بعضی از مواقع از حمایت امریکا خودداری کردند.

فصل هشتم: اهداف سیاسی - اقتصادی اسرائیل در منطقه خاورمیانه

اسرائیل کشوری است که دارای ساختار اقتصادی با مشخصه‌های یک اقتصاد پیشرفته صنعتی، ارتباط اقتصادی خارجی نزدیک با امریکا و اروپا می‌باشد و از نظر درآمد سرانه با احتساب کمکهای مالی غرب به ویژه امریکا با کشورهای اروپایی قابل مقایسه است و از نظر نظامی نیز قدرتمندترین کشور منطقه از نظر دارا بودن سلاحهای مدرن می‌باشد. این رژیم همچنین بیش از ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای در اختیار دارد. اسرائیل با چنین مشخصه‌هایی تلاش می‌کند اهدافی را به شرح زیر در منطقه خاورمیانه دنبال نماید:

- ۱- تهدید و تطمیع کشورهای منطقه برای شناسایی موجودیت رژیم صهیونیستی از طریق مذاکرات صلح خاورمیانه؛

۲- سلطه همه‌جانبه در منطقه خاورمیانه؛

۳- مبارزه با بسط اندیشه اسلامی؛

۴- مبارزه با انقلاب اسلامی ایران از طریق منزوی کردن و ضربه زدن به ثبات اقتصادی - سیاسی ایران و ترویج خطر تهدید ایران برای کشورهای منطقه؛

۵- توسعه بخشیدن به مرزهای خود (رؤیای از نیل تا فرات)؛

همچنین مهمترین عواملی که باعث شده است تا اسرائیل به موفقیت نسبی در اهداف خود در منطقه خاورمیانه دست یابد، عبارت است از:

۱- حمایت همه جانبه ابرقدرتها به ویژه دولت امریکا از اسرائیل؛

۲- استفاده از زور و ترور برای رسیدن به اهداف خود؛^(۱)

۳- جلوگیری از وحدت میان اعراب و مسلمانان؛

۱- آخرین مورد از این‌گونه اعمال غیرانسانی را می‌توان در شهادت دکتر فتحی شقایق دبیر کل جنبش اسلامی مشاهده نمود.

۴- اتخاذ سیاست تهاجمی به جای سیاست تدافعی در مقابل کشورهای عربی؛

۵- جلوگیری از برتری نظامی اعراب و دسترسی آنان به نیروی اتمی.

از جمله موفقترین اقدام اسرائیل در منطقه، امضای توافقنامه «اسلو» با سازمان آزادی بخش فلسطین است که اولین قدم برای شناسایی موجودیت رژیم صهیونیستی بود. در پی این اقدام بعضی از کشورها مثل تونس و اردن در سال ۱۹۹۴ رسماً تحریم اقتصادی را لغو کردند و اردن نیز رسماً با این رژیم پیمان صلح امضا کرد. اولین دستاورد این توافقنامه را از بعد اقتصادی می‌توان تشکیل کنفرانس رشد اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا در دارالبیضا مغرب دانست. در این کنفرانس ۲۵۰۰ سیاستمدار و اقتصاددان از ۵۰ کشور جهان با هدف ادغام رژیم صهیونیستی در اقتصاد خاورمیانه شرکت کردند. در این کنفرانس ۱۵۰ طرح اقتصادی در زمینه حمل و نقل، کشاورزی، جهانگردی، انتقال گاز از کشورهای حوزه خلیج فارس به اراضی اشغالی ارائه شد.

مهمترین طرح صهیونیستها مربوط به ایجاد یک کانال بین دریای مدیترانه و بحرالمیت بود که به این ترتیب کانال سوئز در مصر اهمیت و اعتبار اقتصادی خود را از دست خواهد داد.

صهیونیستها برای اجرای طرحهای اقتصادی، ۲۵ میلیارد دلار اعتبار برای هشت سال آینده پیش‌بینی کرده‌اند. در این کنفرانس از سوی «شیمون پرز» وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی پیشنهاد شد صندوق مشترک عربی - اسرائیلی با سرمایه اولیه ۱۰ میلیارد دلار برای اجرای طرحهای مشترک عمرانی تأسیس شود که مورد موافقت قرار گرفت.

رژیم صهیونیستی در طرح خود موسوم به «بهره‌های اقتصادی صلح خاورمیانه» چند هدف را پی‌گیری می‌کند:

۱- ایجاد شرایط روانی لازم پس از امضای موافقتنامه صلح با اعراب برای نفوذ تدریجی بر بازارهای کشورهای عربی؛

۲- بسیج نیروهای متخصص این رژیم در زمینه‌های کشاورزی، نیرو، بهره‌برداری از آبهای تحت‌الارضی، مخابرات و... برای اشغال بازار کار کشورهای عربی؛

۳- صرفه‌جویی در هزینه‌های جنگی برای بازسازی اقتصاد خود؛

۴- بازسازی خطوط لوله نفت حیفا در اراضی اشغالی؛

۵- تشکیل بازار مشترک عربی - اسرائیلی با هدف برتری تجاری خود.^(۱)

همانطوری که در بخش اهداف اسرائیل در خاورمیانه ذکر شد یکی از اهداف اسرائیل مبارزه با انقلاب اسلامی و جنبشهای اسلامی است که از ایران نشأت گرفته‌اند. نظر به اهمیت این موضوع توضیحی مختصر ضروری به نظر می‌رسد. از دید رژیم صهیونیستی در واقع تهدید ایران علیه منافع این رژیم منحصرأ به داشتن سلاح اتمی ایران خلاصه نمی‌شود بلکه مهمتر از آن، تهدید اساسی این رژیم در پایگاه ایدئولوژی اسلامی می‌باشد.

رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند با حمایت امریکا با استفاده از کلیه امکانات منطقه برای سرکوبی جنبش عظیم اسلامی منطقه بهره گرفته و همه امکانات مخالف اسلام‌گرایان را سازماندهی کند. از دیدگاه

۱- حسن، هانی‌زاده، فرامبرد صهیونیستها برای اشغال اقتصادی خاورمیانه، روزنامه اطلاعات، شماره: ۲۰۶۰۶، (۷۴، ۷/۲۷)، ص ۱۲.

امریکا تنها رژیمی که می‌توان ظرفیتهای مقابله با خیزش اسلامی را هماهنگ کرده و به میدان بیاورد اسرائیل است؛ چراکه صهیونیستها از لحاظ دینی ضدیت زیادی با اسلام دارند.

به نظر می‌رسد به رغم تلاشهای مستمر، امریکا و اسرائیل نه تنها موفقیتی برای خاموش کردن نهضت اسلامی در منطقه به دست نیاورده‌اند بلکه، دامنه آن روز به روز گسترش یافته و می‌رود که سراسر منطقه را فراگیرد.

فصل نهم: سیاست ترکیه در خاورمیانه

ترکیه یکی از دوستان امریکا در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود. این کشور قصد دارد با بهره‌گیری از چنین پشتوانه‌ای موقعیت استراتژیکی خود را در منطقه مستحکم نماید. امریکا نیز به عنوان یک پایگاه نفوذ از ترکیه بهره می‌برد و از این کشور توقع دارد شرایط تسهیل‌کننده نفوذ اسرائیل و امریکا را در منطقه فراهم آورد.

بعد از تحولات اخیر در خاورمیانه، ترکیه در جستجوی نقش تازه‌ای در منطقه است و در این زمینه به تلاش زیادی دست زده است. این کشور در صدد است با بهره‌گیری از پتانسیل‌های سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی نقش فعالی را در منطقه خاورمیانه در جهت حل مناقشات سیاسی ایفا نماید.

عوامل تأثیرگذار در ایفای نقش منطقه‌ای ترکیه به قرار زیر است:

- ۱- موقعیت ژئوپلیتیک و توان اقتصادی ترکیه؛
 - ۲- توسعه لائیسیم و جلوگیری از ترویج ارزشهای انقلاب اسلامی؛ این کشور از سوی امریکا به عنوان یک کشور لائیک (با داشتن ۹۸ درصد مسلمان) به صورت الگویی برای کشورهای مسلمان منطقه معرفی می‌شود؛
 - ۳- فروپاشی و تجزیه شوروی؛
 - ۴- احیای «پان ترکیسم»^(۱)
- ترکیه در مقابل کمک و حمایت از سیاستهای امریکا و اسرائیل در خاورمیانه سالانه کمکهای زیادی از امریکا دریافت می‌نماید.

این کشور روابط سیاسی با اسرائیل دارد و همچنین حمایت خود را از روند صلح اعراب و اسرائیل اعلام کرده است.

در حال حاضر، مهمترین مسأله‌ای که ترکیه با آن مواجه است مسأله کردهای معارض و درگیری بین آذربایجان و ارمنستان می‌باشد. این کشور بارها به خاطر حمله به نیروهای کرد معارض، به داخل خاک عراق نفوذ کرده است و عملیات نظامی گسترده‌ای را به اجرا درآورده است.^(۲)

این کشور همچنین در تلاش است با حمایت امریکا خود را در ترتیبات امنیتی منطقه به نحوی سهم سازد تا به اهداف و مزایای زیر دست یابد:

- ۱- منافع اقتصادی شامل: دستیابی به نفت ارزان قیمت، صادرات به کشورهای منطقه؛

۱- جواد، انصاری، «ترکیه در جستجوی نقش تازه در منطقه»، دیدگاهها و تحلیلهای دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال هشتم، مرداد (۱۳۳۳)، ص ۵۵

۲- برای آگاهی از مطامع ترکیه نسبت به شمال عراق، رجوع شود به مقاله: جعفری ولدانی، «چشم‌داشتهای ترکیه به شمال عراق»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال نهم شماره ۱۱ و ۱۲، مرداد و شهریور (۱۳۷۴).

- ۲- منافع سیاسی شامل: ایفای نقش در تأمین امنیت خلیج فارس و خاورمیانه، بهره‌گیری از سیستم امنیتی جهت برآورده شدن مقاصد خود؛
- ۳- منافع نظامی شامل: دریافت کمکهای تسلیحاتی از امریکا و همکاریهای نظامی میان این کشور و کشورهای منطقه؛
- ۴- طرح ادعای خود مبنی بر الحاق کرکوک و بصره به خاک خود؛
- ۵- اعمال نفوذ در سیاستهای نفتی منطقه؛
- ۶- تردد آزادانه ناوهای جنگی این کشور در منطقه.

فصل دهم: موقعیت جغرافیای سیاسی و اقتصادی منطقه خلیج فارس

۱- موقعیت جغرافیای سیاسی خلیج فارس

با اینکه منطقه خلیج فارس جزئی از خاورمیانه محسوب می‌شود و در بخش خاورمیانه نیز بدان اشاره شد ولی، نظر به اهمیت ژئواستراتژیک و ژئوپلتیک خلیج فارس در منطقه خاورمیانه و اهمیتی که این منطقه برای ایران دارد ذکر مطالبی به طور اجمالی و گذرا در مورد موقعیت جغرافیای سیاسی آن ضروری به نظر می‌رسد. خلیج فارس از مصب اروندرود- که خود از پیوستن دجله و فرات به وجود آمده- تا شبه جزیره مُسندیم در عمان امتداد و از طریق دریای عمان با اقیانوس هند ارتباط دارد. تنگه هرمز^(۱) حد فاصل آن تا دریای عمان می‌باشد.^(۲)

این منطقه شامل هشت کشور می‌باشد که عبارت است: ایران، عراق، کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات و عمان. در میان این کشورها فقط ایران است که از لحاظ فرهنگی با عربها اختلاف دارد.

۲- موقعیت جغرافیای اقتصادی

در این قسمت هم بنا به اهمیتی که خلیج فارس از نظر اقتصادی برای ایران و منطقه دارد نکاتی هم ذکر می‌گردد.

اهمیت اقتصادی خلیج فارس به خاطر وجود منابع سرشار نفت و گاز است، به طوری که بیش از ۳۶۵ میلیارد بشکه نفت در این منطقه وجود دارد و این مقدار در حدود ۶۶ درصد از منابع شناخته شده جهان است. گاز طبیعی این منطقه ۷۶ تریلیون متر مکعب که حدود ۳۰ درصد از ذخایر گاز جهان را تشکیل می‌دهد.^(۳) و^(۴) روزانه حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیون بشکه نفت در روز از این منطقه تولید می‌شود که بیشتر آن صادر می‌شود. این مقدار صادرات حدود ۶۵ درصد نفت جهان است که از این منطقه تأمین می‌شود.

ایران نیز یکی از تولیدکنندگان گاز و نفت خلیج فارس می‌باشد ایران علاوه بر ۹ درصد کل نفت

۱- برای آگاهی از موقعیت جغرافیایی تنگه هرمز و اهمیت آن مراجعه شود به کتاب: دره، میرحیدر، مباحث جغرافیای سیاسی، (تهران: سمت، ۱۳۷۱).

۲- همایون، الهی، خلیج فارس و مسائل آن، (تهران: اندیشه، ۱۳۶۸)، ص ۱۱.

۳- ناصر، نقی، استراتژی و تحولات ژئوپلتیک پس از دوران جنگ سرد، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳)، ص ۳۵.

۴- در جایی دیگر ذخایر نفت خلیج فارس ۵۶۵ میلیارد بشکه برآورد شده است و ذخایر گاز طبیعی منطقه تا ۳۱ تریلیون متر مکعب برآورد شده که ۳۰ درصد ذخایر گاز طبیعی جهان است. منبع: پیروز مجتهدزاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلتیک خلیج فارس، (تهران: دفتر مطالعات، ۱۳۷۳).

ذخایر نفت، با دارا بودن حدود ۱۵ درصد کل ذخایر گاز جهان جایگاه ویژه‌ای در مجموعه کشورهای تأمین‌کننده انرژی آینده دارا می‌باشد.^(۱)

عواملی که منطقه خلیج فارس را به عنوان یکی از مهمترین مناطق جهان مبدل نموده است عبارت است:
الف - نفت و گاز.

ب - با توجه به خیزش فزاینده عمومی علیه گسترش استفاده از انرژی اتمی به ویژه در جوامع صنعتی غرب این منبع نمی‌تواند با سرعت رشد کنونی نیازهای مصرف انرژی جهان صنعتی را در آینده تأمین کند.
پ - با در نظر گرفتن رشد صنعتی شدن در جهان سوم، استفاده از نفت و گاز به عنوان ارزانه‌ترین و مطمئن‌ترین منابع انرژی، فزونی می‌یابد.

ت - محصولات تولید شده از نفت به سرعت در حال گسترش است. در حال حاضر، بیش از یکصد هزار نوع محصول صنعتی گوناگون از کودهای شیمیایی گرفته تا مواد ساختمانی و खाویار مصنوعی و دیگر انواع مواد خوراکی از نفت تولید می‌شود صرف‌نظر از موارد گفته شده، منطقه خلیج فارس در برگیرنده انواع مواد معدنی است.^(۲)

ث - راه ارتباطی مهم تجاری و مرکز تجارت بین شرق و غرب.

ج - خلیج فارس از لحاظ سوق‌الجیشی و سیاسی در طول تاریخ از قدیم الایام تا به امروز مطامع قدرتهای استعماری را برانگیخته است.

با التفات به عواملی که در مورد اهمیت منطقه خلیج فارس ذکر شد باید گفت که دولتهای غربی و در رأس آنها امریکا علاقه خاصی به این نقطه از جهان داشته و دارند^(۳). ولی، وقوع انقلاب اسلامی منافع این کشورها را شدیداً به مخاطره افکنده است. این کشورها برای اینکه بتوانند به حیات استثمارگرانه خود در منطقه ادامه دهند به ثبات منطقه نیاز داشتند. و به همین خاطر حضور مداوم خود را در منطقه حفظ کردند لذا، می‌توان گفت که یکی از عوامل تشنج‌زا در منطقه خلیج فارس حضور نیروهای بیگانه در این منطقه است.

فصل یازدهم: سیاست امریکا در خلیج فارس

پیروزی انقلاب اسلامی ایران تغییرات بنیادی در موقعیت امریکا در منطقه خلیج فارس به وجود آورد که عمده‌ترین آنها عبارت است:

- ۱- از دست دادن پایگاههای استراق‌سمع در منطقه؛
- ۲- انحلال پیمان ستو؛
- ۳- قطع صدور نفت ایران به امریکا؛

۱- ملکی، عباس، مسائل نفت و گاز و اولویتهای سیاست خارجی، دیدگاهها و تحلیلها، بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی سال نهم، فروردین (۱۳۷۴)، ص ۷

۲- پیروز مجتهدزاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلتیک خلیج فارس، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۱۳۷۳)، ص ۶۰-۶۱

۳- دکترین کارتر: هر کوششی از سوی هر نیروی خارجی که برای به دست گرفتن کنترل منطقه خلیج فارس صورت بگیرد تهاجمی علیه منافع حیاتی امریکا تلقی خواهد شد و به چنین تهاجمی با هر وسیله لازم، از جمله نیروی نظامی پاسخ خواهد داد. برای مطالعه بیشتر در ارتباط با اهمیت خلیج فارس در سیاست خارجی امریکا به این کتاب مراجعه شود: جاشوا، اپستین، استراتژی و طرح‌ریزی نیروها برای اهداف امریکا در خلیج فارس، ترجمه باسنجی، (تهران: روشنفکران، ۱۳۷۰).

۴- افزایش قیمت نفت در جهان؛

۵- قطع صادرات نظامی و غیرنظامی به ایران؛

۶- امکان صدور انقلاب به کشورهای منطقه؛

۷- به خطر افتادن امنیت منافع آمریکا و دولتهای غربی در منطقه؛

۸- لطمه به حیثیت آمریکا در منطقه؛

۹- از دست دادن ژاندارم منطقه.^(۱)

بعد از پیروزی انقلاب، آمریکا برای حفظ منافع خود در این منطقه تلاش نمود که جای ژاندارم سابق خلیج فارس را پر نماید. در میان کشورهای منطقه، کشور عربستان از سایر کشورهای منطقه از موقعیت ممتازی برخوردار بود لذا، استراتژی آمریکا در خلیج فارس پس از سقوط شاه بر پایه عربستان قرار داشت و این کشور به عنوان کلیدی بر تأمین منافع آمریکا در منطقه درآمد. از نقطه نظر سیاسی حضور آمریکا در منطقه برای حفظ منافع خود و دادن اطمینان به رژیمهای عرب برای پابرجا بودن حکومتشان و مقابله با انقلاب اسلامی صورت گرفته است.

فصل دوازدهم: خلیج فارس و ترتیبات امنیتی آن

طرح ایجاد ترتیبات امنیتی در منطقه در راستای استراتژی امنیتی آمریکا در خاورمیانه یعنی تسلط و کنترل این منطقه مهم از جهان دارد.

پیش از انقلاب اسلامی، آمریکا با حمایتهای سیاسی و تسلیحاتی که از ایران به عمل می آورد، این کشور را عهده دار حفظ ثبات و امنیت منطقه نموده بود.

پس از انقلاب، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تغییر بنیادی مواجه شد و نتیجتاً سیاست ژاندارمی در منطقه نیز کنار گذاشته می شود و تضاد میان ایران و آمریکا شدت گرفت.

عواملی مانند اختلافات مرزی، مسأله ناسیونالیسم ایران و عرب و غیره، مستمسکی در دست قدرتهای بیگانه شد تا با استفاده از این مشکلات دایره حضور و نفوذ خود را در این منطقه گسترش دهند. عوامل مزبور سبب شد که قدرتهای غربی به بهانه اعاده ثبات و امنیت، حضور مستمری در این منطقه داشته باشند و این امر خود موجب تشنج و بی ثباتی منطقه گردید. از آنجایی که خلیج فارس جزو مهمترین مناطق جهان به شمار می رود قدرتهای غربی هیچ وقت از آن چشم پوشی نکرده اند.

جرج بوش در این باره می گوید: «دولت من مانند رؤسای جمهور قبلی، خود را به امنیت و ثبات خلیج فارس متعهد می داند».

دکترین کارتر هدف اصلی آمریکا از حضور گسترده نظامی در منطقه بود، اساس دکترین کارتر، تشکیل کمربند امنیتی برای محاصره انقلاب اسلامی ایران بود. اولین گام در این راه تشویق کشورهای منطقه برای گردآمدن در یک اتحادیه نظامی بود. سرانجام شورای همکاری خلیج فارس با حمایت آمریکا و به خاطر احساس ناامنی حکام این کشورها نسبت به آینده رژیمهای خود در مقابل گسترش انقلاب اسلامی و

۱- همایون، الهی، همان منبع، ص ۲۸۲.

همچنین در راستای سیاست امریکا مبنی بر ایجاد کمربند امنیتی به دور انقلاب اسلامی در بهمن سال ۵۹، تشکیل گردید. اما این شورابا همه فعالیتی که انجام داد نتوانست نقش مهمی را در حل بحرانهای منطقه‌ای منجمله جنگ عراق علیه ایران و بحران خلیج فارس ایفا نماید.

بعد از جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، جمهوری اسلامی ایران آمادگی خود را برای همکاری با کشورهای منطقه در جهت برقراری صلح و امنیت ابراز داشت. اما مداخله و نفوذ امریکا در این کشورها باعث شد که از همکاری با ایران اجتناب ورزند. امنیت خلیج فارس، هم برای تولیدکنندگان و هم برای صادرکنندگان از اهمیت بسیاری برخوردار است.

جمهوری اسلامی ایران دارای طولانی‌ترین ساحل در خلیج فارس بوده و دارای موقعیت ممتاز، نظیر داشتن تنگه هرمز و جزایر سه گانه ایرانی است. اما علی‌رغم این اهمیت در ترتیبات امنیتی منطقه به آن وقعی نهاده نمی‌شود. تلاش امریکا این است که با معرفی ایران به عنوان عامل تهدیدکننده برای صلح و ثبات منطقه، علاوه بر فروش مقادیر زیادی سلاح به کشورهای منطقه، از حضور ایران در همکاری با کشورهای منطقه جلوگیری نماید.

با بروز بحران کویت در سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۱ و عدم توانایی شورای همکاری خلیج فارس در سرکوب متجاوز، تفکر در باب ساختاری جدید برای ترتیبات امنیتی منطقه مطرح شد و امریکا از مصر^(۱) و سوریه نیز برای پیوستن به شش کشور خلیج فارس دعوت کرد.

آنچه باعث شد تا امریکا از این دو کشور نیز برای پیوستن به شورادعوت نماید امکان مناسبی بود که این تشکل ناحیه‌ای در تحقق پیمان صلح اعراب و اسرائیل ایجاد کرده بود. به علاوه امریکا تمایل داشت با حضور در این تشکل علت وجودی حضور گسترده خود را در منطقه توجیه نماید.

اما عوامل متعددی باعث شد تا تشکیل اتحادیه نظامی ۲+۶ به رهبری امریکا تحقق پیدا نکند. از جمله این موارد می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- عدم توانایی مالی عربستان، کویت و امارات برای تأمین هزینه مستمر نگهداری حجم وسیعی از نیروهای نظامی بیگانه در خلیج فارس در بلندمدت؛^(۲)

۲- اختلاف مصر، عراق، سوریه و عربستان برای رهبری جهان عرب،

جمهوری اسلامی ایران در مواضع خود بارها آمادگی خود را برای همکاری با کشورهای منطقه اعلام و حضور گسترده نیروهای غربی به ویژه امریکا را در این منطقه محکوم کرده است. با عنایت به این که بخش اصلی صادرات نفت کشورمان تنها از طریق آبهای خلیج فارس انجام می‌گیرد، ایران خواهان حفظ صلح و ثبات در این منطقه حساس می‌باشد و هر نوع همکاری منطقه‌ای را در این جهت در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است.^(۳)

جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهداف امریکا در خلیج فارس، حذف خود را از ترتیبات امنیتی منطقه در خلاف جهت سیاست خارجی خود قلمداد کرده و اضافه بر تلاشهایی که به منظور جلب اعتماد

۱- رژیم مصر پس از ده سال انزوا به سبب امضای معاهده کمپ دبوید مجدداً به اعراب ملحق شد.
۲- در دوران اشغال کویت هزینه‌های سنگینی بر ذخایر چند میلیارد دلاری این کشورها وارد آمد به طوری که مخارج آزادسازی کویت بالغ بر ۲۲ میلیارد دلار برآورد شده است و هزینه دوران اشغال نیز ذخایر کویت را تا هشت میلیارد دلار تقلیل داد. عربستان سعودی به تنهایی ۵۲ میلیارد دلار به کشورهای متحد در جنگ خلیج فارس و مصر و سوریه کمک کرد.
۳- رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره می‌فرماید: جمهوری اسلامی ایران به صراحت اعلام می‌کند که به جز همکاری، کمک و راهنمایی نسبت به کشورهای حاشیه خلیج فارس هیچ نظر دیگری ندارد. کیهان، ۱۳۷۳/۸/۷، ص ۲.

کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از خود نشان داده، از لحاظ حقوقی نیز اعتراض خود را مبنی بر مخالفت با حضور نیروهای بیگانه در منطقه به اطلاع سازمان ملل متحد رسانیده است.^(۱)

شکست طرح ۶+۲ و پیامدهای آن:

بعد از آنکه طرح پیشنهادی امریکا (۶+۲) نتوانست عملی شود طرحهای دیگری مبتنی بر مشارکت و یا همکاری غیر مستقیم امریکا، انگلیس و فرانسه مطرح شد. متعاقب این طرح، میزان فروش سلاح به کشورهای منطقه گسترش یافته و قرارداد های دو جانبه ای بین کشورهای کویت و امریکا^(۲)، قطر و انگلیس، بحرین و فرانسه منعقد گردید. علت اصلی انعقاد چنین قراردادهایی توسط کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را می توان به شرح ذیل دانست:

- ۱- جلوگیری از شورشیهای داخلی احتمالی؛
- ۲- وجود و احساس خطر نسبت به تجاوز مجدد عراق؛
- ۳- بیم از نفوذ بیشتر انقلاب اسلامی در منطقه؛

مزایای سیستم امنیت دو جانبه برای امریکا:

بعد از اینکه امریکا نتوانست طرح ترتیبات امنیتی خود را در منطقه خلیج فارس عملی سازد چاره را در انعقاد توافقیهای دو جانبه و برقراری سیستم امنیت دو جانبه دید و بدین لحاظ با انعقاد توافق نامه های دو جانبه توانست معاملات تسلیحاتی کلانی با کشورهای منطقه داشته باشد و مضافاً پایگاههای نظامی جدیدی را در اختیار بگیرد. علت اتخاذ این طرح جانشینی از جانب امریکا می تواند موارد زیر باشد:

- ۱- تعقیب منافع سیاسی - اقتصادی؛
- ۲- نظارت و کنترل بر تجهیزات و تأسیسات نظامی منطقه و جلوگیری از تصاحب احتمالی جنگ افزار های ارسالی توسط گروه های معارض؛
- ۳- نظارت و کنترل مستقیم بر چگونگی امکان دسترسی کشورهای متحد امریکا به سلاح هسته ای و جلوگیری به موقع از آن؛
- ۴- نظارت بر میزان گسترش جنگ افزار و تشکیلات نظامی در شیخ نشینهای حاشیه خلیج فارس و نظارت بر خرید های تسلیحاتی کشورهای منطقه؛

۵- این سیستم به امریکا امکان می دهد موضع خود را در دفاع و پشتیبانی از کشورهای عربی را با حمایت آشکار و پنهان از اسرائیل وفق دهد و آن را به گونه ای توجیه کند.^(۳)

۱- وزارت امور خارجه نیز در بیانیه ای ضمن توجیه هر نوع سیاست نظامی گری و هرج و مرج طلبی، تقویت نیروهای نظامی امریکا را در شرایطی که نظامیان عراق از مرزهای مجاور کویت عقب نشینی کرده موجب گسترش تشنج و مغایر با قوانین بین المللی می داند و کشورهای منطقه را به هوشیاری در برابر سیاستهای مشکوک امریکا دعوت می کند. حفظ امنیت را در پرتو همکاری منطقه ای دانسته و هرگونه سهلت بخشیدن به اشغال منطقه توسط دشمنان اسلام به بهانه تأمین امنیت و رفع تهدیدات را مردود می داند و معتقد است حضور بیگانگان در چنین منطقه حساس و استراتژیک نه تنها به منابع حیاتی ملل مسلمان لطمه می زند بلکه، صلح و ثبات منطقه را نیز به مخاطره می اندازد. وزارت امور خارجه همچون گذشته تأکید می کند که ثبات و آرامش منطقه حساس خلیج فارس در پرتو احترام به استقلال و حفظ تمامیت ارضی کلیه کشورهای منطقه میسر بوده و از کشورهای منطقه می خواهد از هر گونه اقدام تحریک آمیز که صرفاً در جهت تأمین منافع نامشروع بیگانگان خواهد بود، خودداری کنند. روزنامه کیهان، ۱۳۷۲/۷/۲۱، ص ۳.

۲- دولت کویت در سپتامبر ۱۹۹۱ یک پیمان دفاعی - امنیتی ده ساله با امریکا منعقد کرد.

۳- علی، لاهوتی، ایالات متحده امریکا و امنیت خلیج فارس، «اطلاعات سیاسی و اقتصادی»، شماره ۱۱ و ۱۲ (۱۳۷۳)، ص ۷۵.

فهرست منابع:

کتاب:

- ۱- آمبروز، استیفن. روند سلفه‌گری، مترجم احمد تابنده، تهران: چاپخش، ۱۳۶۸.
- ۲- اپستین، جاشوا. استراتژی و طرح‌ریزی نیروها برای اهداف امریکا در خلیج فارس، ترجمه باسمنجی، تهران: روشنگران، ۱۳۷۰.
- ۳- الهی، همایون. خلیج فارس و مسائل آن، تهران: اندیشه، ۱۳۶۸.
- ۴- بورونو، نفت و سیاست امریکا در خاورمیانه نزدیک و میانه، ترجمه ربیع‌زاده، تهران: میر، ۱۳۶۴.
- ۵- نقفی، ناصر. استراتژی و تحولات ژئوپلتیک پس از دوران جنگ سرد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳.
- ۶- سدایر، آلمان و...، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰.
- ۷- سرکیس، نیکلا. نفت تنها و آخرین شانس خاورمیانه، مترجم ثابت سعیدی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۸- گازیو روسکی، مارک. سیاست خارجی امریکا و شاه. ترجمه فریدون فاطمی، تهران: مرکز، ۱۳۷۱.
- ۹- لنجافسکی، جورج. رؤسای جمهور امریکا و خاورمیانه، ترجمه هوشنگ مهدوی، تهران: البرز، ۱۳۷۳.
- ۱۰- مجتهدزاده، پیروز. کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلتیک خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳.
- ۱۱- میرحیدر، دره. مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: سمت، ۱۳۷۱.

روزنامه و مجله:

- ۱- روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۳/۸/۱۴.
- ۲- امیری، مجتبی «ایران و امریکا»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲، سال نهم ۱۳۷۴.
- ۳- پارکر، ریچارد بی «مطالعات خاورمیانه و سیاست خارجی امریکا»، ترجمه طباطبایی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲، سال هشتم، ۱۳۷۳.
- ۴- امامی، محمدعلی. «روابط ایران و اعراب»، مجله سیاست خارجی، سال نهم، بهار ۱۳۷۴.
- ۵- سریع‌القلم، «شناخت استراتژی امریکا نسبت به ایران و خاورمیانه»، فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۴.
- ۶- روزنامه کیهان، ۱۳۷۳/۷/۲۳.
- ۷- روزنامه کیهان، ۱۳۷۳/۷/۶.
- ۸- روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۳/۹/۲۹.
- ۹- روحانی، حسن. «امریکا و آرزوهای بر باد رفته»، مجلس و پژوهش، سال سوم، شماره ۱۵ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴.
- ۱۰- شهابی، سهراب و... «ملاحظات امنیتی و سیاست خارجی، ایران»، مجله سیاست خارجی، سال نهم، بهار ۱۳۷۴.
- ۱۱- روزنامه کیهان، ۱۳۷۴/۱/۹.
- ۱۲- روزنامه کیهان، ۱۳۷۴/۶/۱۸.
- ۱۳- روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۳/۹/۶.
- ۱۴- روزنامه کیهان، ۱۳۷۳/۸/۴.
- ۱۵- گزارش دفتر بررسی‌های سیاسی و اجتماعی مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی، تأثیر تحقق صلح خاورمیانه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تیر ۱۳۷۴.
- ۱۶- روزنامه کیهان، ۱۳۷۴/۱/۲۰.

- ۱۷- روزنامه کیهان، ۱۳۷۳/۱۰/۸.
- ۱۸- روزنامه کیهان، ۱۳۷۳/۷/۲۸.
- ۱۹- روزنامه کیهان، ۱۳۷۳/۷/۱۲.
- ۲۰- هانی زاده، حسن. «راهبرد صهیونیستها برای اشغال اقتصادی خاورمیانه» روزنامه اطلاعات، شماره ۲۰۶۰۶، ۱۳۷۴/۷/۲۷.
- ۲۱- ملکی، عباس، «مسائل نفت و گاز و اولیتهای سیاست خارجی»، دیدگاهها و تحلیلها، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال نهم، فروردین ۱۳۷۴.
- ۲۲- روزنامه کیهان، ۱۳۷۳/۸/۷.
- ۲۳- روزنامه کیهان، ۱۳۷۳/۷/۲۱.
- ۲۴- لاهوتی، علی، «ایالات متحده آمریکا و امنیت خلیج فارس»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲، ۱۳۷۳.
- ۲۵- انصاری، جواد. «ترکیه در جستجوی نقش تازه در منطقه»، دیدگاهها و تحلیلها، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال هشتم، مرداد ۱۳۷۳.
- ۲۶- جعفری ولدانی، جعفر. «چشم‌دشتهای ترکیه به شمال عراق»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال نهم، شماره ۱۱ و ۱۲، مرداد و شهریور ۱۳۷۴.

